

اخبار

بازار رمزارزها در آستانه عقب‌نشینی



سقوط قیمت بیت‌کوین پس از فروش گسترده تقریباً ۲۴ هزار بیت‌کوین و نقدینگی اندک بازار که با تردیهای جدید در مورد کاهش نرخ بهره در کوتاه‌مدت همراه شد، قیمت این رمزارز را به زیر ۱۱۰ هزار و ۵۰۰ دلار رسانده و خطر عقب‌نشینی گسترده‌تر بازار رمزارزها را افزایش داده است.

به گزارش ایسنا، طبق داده‌های سایت «کوین‌گلس»، نقدینگی قراردادهای آتی رمزارزها در ۲۴ ساعت، از ۹۰۰ میلیون دلار فراتر رفت. اتریوم حدود ۳۳۰ میلیون دلار، بیت‌کوین تقریباً ۲۱۰ میلیون دلار و موقعیت‌های خرید حدود ۸۱۷ میلیون دلار از کل نقدینگی را تشکیل دادند. دوج کوین، سولانا و ریپل نیز شاهد افت‌های دو رقمی و یک رقمی بودند.

بیت‌کوین بعد از ظهر دوشنبه (سوم شهریور) به زیر ۱۱۰ هزار دلار سقوط و در مقطعی از زمان، معامله حدود ۱۱۰ هزار و ۴۴۱ دلار را نیز ثبت کرد و قیمت آن در طول روز گذشت، حدود ۲.۲ درصد کاهش یافت. قیمت بیت‌کوین در چند روز گذشته، بیش از پنج درصد کاهش یافته و این افت قیمت به دلیل فروش متمرکز همزمان با اوج‌های آخر هفته در چندین آلت‌کوین رخ داده است. سایت کوین‌نگ گزارش کرد، اتریوم پس از رسیدن به رکورد بالای ۴۹۰۰۰ دلار، حدود هشت درصد کاهش یافت و به قیمت ۴۳۷۵ دلار رسید. سودگیری سریع، قرار گرفتن در معرض معاملات آتی متمرکز و نقدینگی‌های آشاری، باعث اصلاح شدید در سولانا (با کاهش حدود ۸.۵ درصدی به ۱۸۶ دلار)، دوج‌کوین (با کاهش بیش از ۱۰ درصد به ۲۰۰ دلار) و ریپل (با کاهش حدود ۶ درصدی به ۲.۸۵ دلار) شد.



شرکت بیمه تعاون با هدف تأمین آینده مالی و ایجاد آرامش خاطر برای خانواده‌ها، طرح ویژه «پیشگامان فردا» را برای دانش‌آموزان ۷ تا ۱۸ ساله معرفی کرد. این طرح علاوه بر پوشش‌های جامع بیمه عمر، امکان سرمایه‌گذاری بلندمدت و دریافت وام در شرایط ضروری را برای بیمه‌گزاران فراهم می‌کند.

به گزارش روابط عمومی بیمه تعاون، این شرکت در راستای توسعه محصولات نوآورانه و حمایت از آینده‌نسل جوان، طرح «پیشگامان فردا» را طراحی و ارائه کرده است. این طرح ویژه دانش‌آموزان ۷ تا ۱۸ ساله بوده و با ترکیب بیمه عمر و سرمایه‌گذاری، بستری مناسب برای تأمین مالی ادامه تحصیل در مقاطع عالی، شروع فعالیت‌های شغلی و تشکیل پشتوانه‌ای مطمئن در دوران جوانی فراهم می‌آورد. از جمله ویژگی‌های برجسته این طرح می‌توان به سرمایه فوت به هر علت تا سقف ۳ میلیارد ریال بدون نیاز به چکاپ پزشکی، سرمایه فوت ناشی از حادثه تا ۳ میلیارد ریال، پوشش هزینه‌های پزشکی ناشی از حادثه تا ۱۰ درصد سرمایه فوت و پوشش بیماری‌های خاص تا ۱۵ درصد سرمایه فوت اشاره کرد. همچنین بیمه‌گزاران می‌توانند پس از گذشت یک سال و با پرداخت حق بیمه دو ساله، از محل اندوخته‌ای بیمه‌نامه خود وام دریافت کنند.

مدت بیمه‌نامه در این طرح حداقل ۵ سال در نظر گرفته شده و سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده با سود مشارکتی همراه است که امکان تشکیل اندوخته‌ای مطمئن برای آینده جوانان را فراهم می‌کند. بیمه تعاون با اجرای طرح «پیشگامان فردا»، تلاش دارد تا خانواده‌ها بتوانند از هم‌اکنون با خیالی آسوده آینده‌ای روشن برای فرزندان خود رقم بزنند. علاقه‌مندان می‌توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر و ثبت‌نام در این طرح با شعب و نمایندگان‌های بیمه تعاون در سراسر کشور، با شماره ۱۶۰۲ تماس بگیرند.

اخبار



«کارمان شده فقط به یک مشت بنیاد و سازمان‌های الکی که به هیچ دردی نمی‌خورند پول بدهیم. به‌شان گفتم آقایان این بساط باید جمع شود.» این جمله صریح مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، در روز خبرنگار، مثل زنگ بیدارباشی بود که یکی از عمیق‌ترین زخم‌های اقتصاد ایران را دوباره یادآوری کرد: زخمی به نام بودجه‌خواران بی‌خروجی. نهادهایی که نه کارنامه‌ای روشن دارند، نه پاسخگوی افکار عمومی‌اند و نه دستاورد ملموسی برای زندگی مردم.

شاید اکنون باید اذعان داشت که یکی از صریح‌ترین سخنان رئیس‌جمهور در نشست‌ی که چندی پیش با اصحاب رسانه در روز خبرنگار داشت، انتقادی بود که به شیوه تخصیص بودجه وارد کرد و گفت: «تا دلت بخواهد موسسات و بنیادهایی داریم که هیچ پروندادی ندارند و پول به اینها می‌دهیم، خب چرا باید به اینها پول بدهیم در حالی که معیشت مردم را نمی‌توانیم تأمین کنیم؟»

حقیقت این است که جملاتی که رئیس‌جمهور به کار برد دیگر نه صرفاً گلایه، که هشدار به یک آفت ساختاری در نظام بودجه‌ریزی ایران است؛ آفتی که سال‌هاست منابع کشور را به سمت نهادهای ناکارآمد سوق داده و فرصت توسعه و بهبود زندگی مردم را از بین برده است. به گزارش اقتصاد ۲۴، اکنون دیگر سال‌هاست که بخشی از بودجه کشور، به جای آن که موتور محرکی برای توسعه و رفاه عمومی باشد، به حیات خلوت صدها بنیاد و سازمان تبدیل شده است؛ بنیادهایی با نام‌های پرطمطراق فرهنگی، اجتماعی یا مذهبی که از جیب مردم ارتزاق می‌کنند، اما سهمی در بهبود کیفیت زندگی آنان ندارند.

کسری بودجه؛ زخمی قدیمی که هر سال عمیق‌تر می‌شود

بحران کسری بودجه دیگر برای اقتصاد ایران یک استثنا نیست، یک قاعده تکرار‌شونده است. اخیراً مدنی زاده، وزیر اقتصاد اعلام کرده کسری بودجه سال جاری به حدود ۸۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده؛ یعنی درآمدهای دولت توان پوشش هزینه‌ها را ندارد و این شکاف یا با چاپ پول و تورم پر می‌شود یا با بدهی‌های سنگین به نسل‌های بعد.

چنان که علی قنبری، اقتصاددان، در تحلیل این وضعیت می‌گوید: «کسری بودجه فقط یک عدد خشک در جداول نیست؛ معنایش کاهش رفاه اجتماعی، سقوط ارزش پول ملی و انتقال بار مشکلات به آینده است.»

حقیقت این است که کسری بودجه ۸ هزار میلیارد تومانی، به یکی از جدی‌ترین چالش‌های مالی کشور تبدیل شده است. این رقم به ظاهر عددی در جداول بودجه‌ای است، اما در عمل معنایی فراتر دارد؛ یعنی شکاف میان درآمدها و هزینه‌هایی که دولت برای آن کاهنه داده است. این کسری در نهایت از جیب مردم پرداخت می‌شود، چه به شکل تورم و کاهش قدرت خرید و چه به صورت افزایش بدهی‌های دولت که بار آن بر دوش نسل‌های بعد خواهد بود.

چنان که قنبری نیز تصریح دارد که «وزیر اقتصادی که مسئولیت می‌پذیرد، نمی‌تواند صرفاً مشکلات را فهرست کند و از وضعیت دشوار سخن بگوید. مردم و فعالان اقتصادی انتظار دارند برنامه‌ای شفاف برای مدیریت چنین کسری بزرگی ارائه شود. راهکارها پیچیده یا دست‌نیافتنی نیستند، اما اجرای آنها نیازمند شجاعت و اراده سیاسی است. نخستین گام، کاهش هزینه‌های جاری دولت است. در حال حاضر بخش عمده بودجه عمومی به جای سرمایه‌گذاری و تولید، صرف پرداخت حقوق و هزینه‌های روزمره می‌شود. همین ساختار متورم اداری باعث شده حتی زمانی که درآمدها کاهش می‌یابد، تعهدات دولت ثابت بماند و شکاف کسری هر سال بیشتر شود.»

مهدی پازوکی، اقتصاددان نیز در گفت‌وگویی تأکید کرده که «وقتی بخش بزرگی از بودجه عمومی صرف حقوق و هزینه‌های جاری می‌شود، و نه سرمایه‌گذاری و تولید، نتیجه‌ای جز کسری و رکود ندارد. متورم بودن ساختار اداری، یکی از ریشه‌های اصلی کسری است.»

این اقتصاددان پیش از این نیز تأکید داشته که «نظام تصمیم‌گیری کلان کشور باید این موضوع را درک کرده و بپذیرد که کسری بودجه منتهی به افزایش نقدینگی، افزایش تورم، کاهش ارزش پول ملی و در نهایت، کاهش رفاه اجتماعی می‌شود. بودجه بسیاری از بخش‌ها و نهادهای قابل کاهش است. برای مثال، مجلس شورای اسلامی بالاترین رشد بودجه را بین لایحه دولت و لایحه بودجه ۱۴۰۴، به خود اختصاص داده است. از دید من

می‌شد حداقل ۵۰ درصد این میزان را کاهش داد. در وزارت کشور یک نهادی داریم به عنوان معاونت اجتماعی. پس وظیفه بهزیستی چیست؟ اگر قرار باشد معاونت اجتماعی هزینه و بودجه جدا داشته باشد، پس یعنی وزارت کشور مسئول بهزیستی است؟ کمیته امداد هم که یک بخش جدا است. چرا برای هر موضوعی چند نهاد موازی داریم ... همچنین بودجه بسیاری از نهادهای قابلیت کاهش دارد. بسیاری از نهادهای خود، درآمد دارند و می‌توانند هزینه‌های خود را از محل درآمدها تأمین کنند و اصلاً نیازی به بودجه جداگانه نیست؛ اما نظام تصمیم‌گیری کشور باید کمک کند.»

به بیان ساده مساله بحرانی در بودجه‌ریزی کشور یکی همین است که کسری بودجه ایران یعنی مردم هر سال فقیرتر می‌شوند؛ یا از مسیر تورم و گرانی، یا از طریق بدهی‌های دولتی که دیر یا زود گریبان آنها را می‌گیرد.

واکنش‌ها به سخنان رئیس‌جمهور

اما اظهارات پزشکیان بازتاب گسترده‌ای در میان تحلیلگران داشت. احمد زیدآبادی، فعال سیاسی، نوشت: «بزرگ‌ترین مانع اصلاح، مافیایی است که از همین بودجه‌ها تغذیه می‌کند. هر بار هم برای دفاع از آنها به مقدسات و ارزش‌ها متوسل می‌شوند.»

کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز سخنان رئیس‌جمهور را نشانه‌ای از شجاعت دانستند. یکی نوشت: «شجاعت پزشکیان در حذف بودجه بنیادهای مفت‌خور ستودنی است؛ اما باید دید این حرف‌ها به عمل هم می‌رسد یا نه.» اما حسام‌الدین آشنا، مشاور حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین ایران، اما توصیه‌ای وارونه کرد و ضمن اشاره به قدرت موسسات اصطلاحاً بودجه‌خوار، از پزشکیان خواست سمت آنها نرود. آشنا در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «به رئیس‌جمهور محترم پیشنهاد می‌کنم مسیر حذف بودجه‌های بنیادها و موسسات و قرارگاه‌ها و مجمعه‌ها و ... را دنبال نکنند. لطفاً از تجربه هفتمین رئیس‌جمهور و مشاورش که از این حرف‌ها ززند، عبرت بگیرد.»

بودجه‌خواران؛ سازمان‌های بی‌خروجی، پرهزینه و تأکید کرده که «وقتی بخش بزرگی از بودجه عمومی صرف حقوق و هزینه‌های جاری می‌شود، و نه سرمایه‌گذاری و تولید، نتیجه‌ای جز کسری

دهد و بلکه صدها نهاد و مؤسسه فرهنگی، مذهبی و اجتماعی در ایران وجود دارند که سهم ثابتی از بودجه عمومی دارند. این نهادهای معمولاً ویژگی‌های مشترکی دارند.

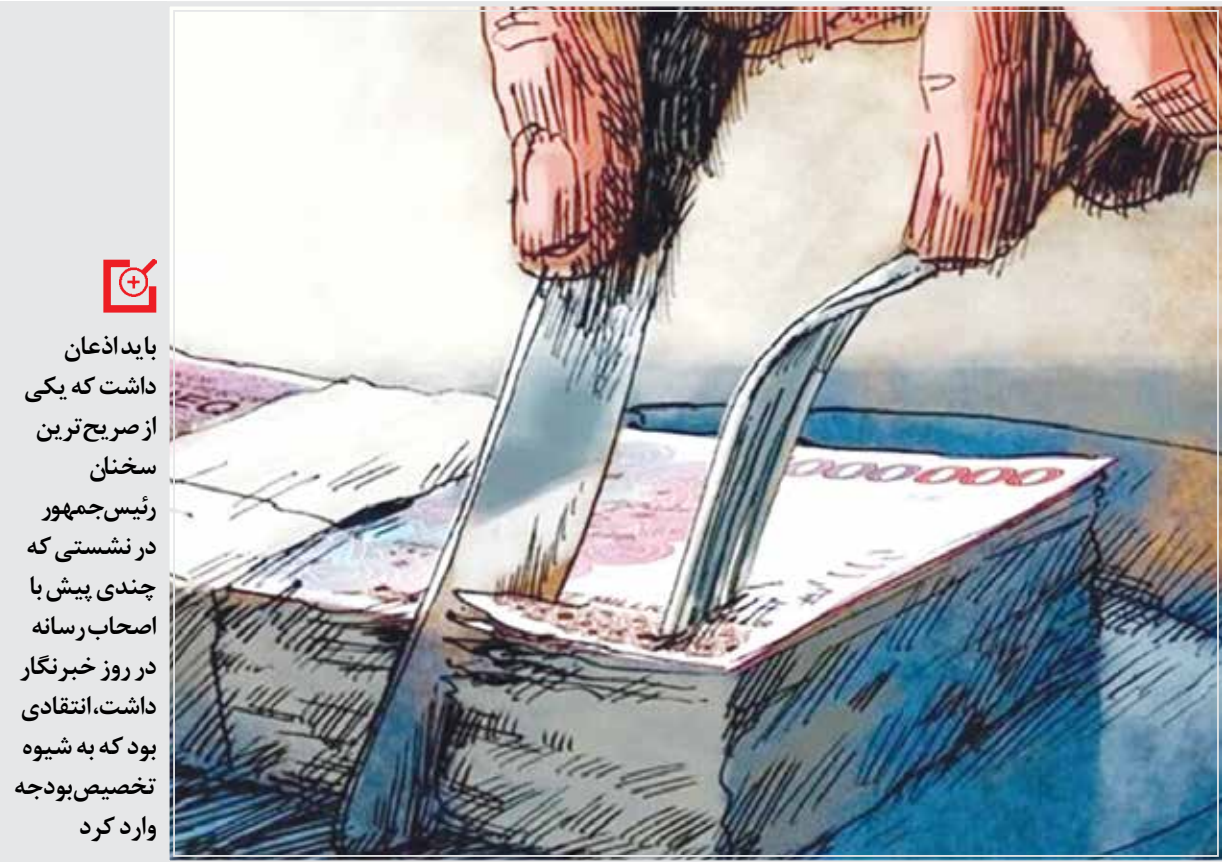
مصونیت از نظارت جدی دیوان محاسبات یا رسانه‌ها

مساله این است که در عمل، این نهادهای میلاردها تومان از منابع عمومی را می‌بلعند، بدون آن که خروجی آنها در زندگی مردم ملموس باشد.

رمز گشایی از اشاره صریح رئیس‌جمهوری: نهادهای بودجه خوار کدامند؟

شجاعت سیاسی، کلید اصلاح بودجه

نقد صریح رئیس‌جمهور علیه بنیادها و نهادهای بودجه‌خوار می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ بودجه‌ریزی ایران باشد؛ اما تجربه نشان داده است که تغییر در این ساختار نیازمند شجاعت سیاسی و مقاومت در برابر منافع قدرتمند است. تا زمانی که نهادهای بی‌خروجی سهم مردم را از سفره بودجه می‌بلعند، عدالت و رفاه فقط در حد شعار باقی خواهد ماند.



چیز است: کاهش سهم مردم. همان بودجه‌ای که می‌توانست صرف بهبود وضعیت آموزش، سلامت، اشتغال و مسکن شود، در چرخه‌ای معیوب بلعیده می‌شود. در شرایطی که تورم و فشار اقتصادی کمر خانواده‌ها را خم کرده، این بی‌عدالتی بودجه‌ای به معنای مستقیم فدا شدن هشتگت دارد.

شورای عالی حوزه‌های علمیه با بودجه‌ای بیش از ۷ هزار میلیارد تومان. آستان حضرت امام خمینی (ره) با بیش از ۲۱۰ میلیارد تومان. برخی از مهم‌ترین نهادها و بنیادهای فرهنگی و مذهبی که بودجه دولتی دریافت می‌کنند نیز شامل موارد زیر هستند:

سازمان تبلیغات اسلامی و زیرمجموعه‌های آن، مانند مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی، حوزه هنری انقلاب اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و ... شورایعالی سیاست‌گذاری ائمه جمعه ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر فرهنگستان هنر فرهنگستان علوم

مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی)

موسسه پرورش، سروش مولانا بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس (وابسته به ستاد کل نیروهای مسلح)

بنیادها و نهادهای وابسته به نهاد ریاست‌جمهوری (Iranology Foundation)، وابسته به نهاد ریاست‌جمهوری بنیاد نخبگان (پشتیبانی از نخبگان علمی و هنری)

بنیاد سعدی (بنیاد فرهنگی که به ترویج زبان فارسی می‌پردازد)

این فهرست، اما تنها نوک کوه یخ است؛ صدها نهاد دیگر با عنوانی پژوهشی، فرهنگی یا اجتماعی سهم‌های ثابت و تضمینی از بودجه می‌گیرند.

بسیاری از آنها خود درآمد دارند و می‌توانند مستقل اداره شوند، اما همچنان به منابع عمومی وابسته‌اند.

ناتراری ویرانگر بودجه و بیمارستانی که ساخته نمی‌شود

این مدل از بودجه‌ریزی نیز اکنون در حالی رخ می‌دهد که هر ریال بودجه‌ای که به این نهادها داده می‌شود، در حقیقت خدمات عمومی از دست رفته است؛ یعنی بیمارستانی که می‌توانست ساخته شود، ساخته نمی‌شود و کلاس درسی که می‌توانست تجهیز شود، تجهیز نمی‌شود و شغلی که می‌توانست ایجاد شود، ایجاد نمی‌شود. به تعبیر اقتصاددانان، این همان هزینه فرصت است و در ایران، هزینه‌فرصت بودجه‌ای بی‌ثمر چیزی جز معیشت مردم نیست.

به واقع زمانی که میلاردها تومان بودجه به این سازمان‌ها تزریق می‌شود، نتیجه‌اش تنها یک

اخبار

حمایت بانک توسعه صادرات ایران از صادرات غیرنفتی

تقویت تولید ملی و حضور در بازارهای جهانی



بانک توسعه صادرات ایران به عنوان تنها بانک تخصصی و توسعه‌ای حوزه صادرات کشور، طی سال‌های اخیر نقش برجسته‌ای در تأمین مالی و پشتیبانی از صادرات غیرنفتی ایفا کرده است؛ نقشی که از یک‌سو به تقویت بنگاه‌های کوچک و متوسط و از سوی دیگر به نقش آفرینی بیشتر صادرکنندگان منجر شده است.

به گزارش روابط عمومی بانک توسعه صادرات ایران، این بانک با طراحی بسته اعتباری متنوع الماسان و همچنین صدور انواع ضمانت‌نامه‌های بانکی، شرایطی فراهم کرده تا صادرکنندگان بتوانند سرمایه در گردش موردنیاز برای تولیدصادرات‌محور را تأمین کنند. همچنین بانک توسعه صادرات ایران در سال ۱۴۰۳ بیش از ۸۳ هزار میلیارد ریال تسهیلات به شرکت‌های کوچک و متوسط با رویکرد حمایت از صادرات اختصاص داد. بدین ترتیب تسهیلات پرداخت شده بانک توسعه صادرات ایران در سال ۱۴۰۳ به شرکت های کوچک و متوسط نسبت به سال ۱۴۰۲ رشد ۵۵ درصدی یافته است. تمرکز بر صادرات دانش‌بنیان و صنایع نوین یکی از راهبردهای کلیدی بانک، حمایت از صادرات محصولات دانش‌بنیان و فناوریانه است. با اعطای تسهیلات ویژه به شرکت‌های دانش‌بنیان، زمینه‌ای برای حضور کالاهای و خدمات فناوریانه ایران در بازارهای منطقه‌ای فراهم شده است. این اقدام نه تنها به ارتزآوری پایدار کمک می‌کند بلکه تصویر جدیدی از اقتصاد ایران به جهان ارائه می‌دهد. در سال ۱۴۰۳ دانش بنیان ها مبلغ ۱۶ هزار و ۲۱ میلیارد ریال از بانک توسعه صادرات ایران تسهیلات دریافت کردند که نسبت به سال مالی ۱۴۰۲ رشد ۱۶ درصدی و در مقایسه با سال ۱۴۰۱ افزایش چشمگیر ۸۹ درصدی را ثبت کرده است.

تأثیر کلان بر اقتصاد کشور

حمایت بانک توسعه صادرات ایران از صادرات غیرنفتی، دو اثر کلیدی بر اقتصاد ایران داردکه شامل کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و تنوع‌بخشی به منابع ارزی کشور و ایجاد اشتغال پایدار از طریق رونق صنایع صادرات‌محور و کوچک و متوسط می‌شود.

هفته دولت بهانه ای برای ارزیابی عملکرد بخش های مختلف است و بانک توسعه صادرات ایران با تکیه بر توان تسهیلات دهی و تمرکز بر توسعه صادرات غیر نفتی همواره در کنار صادرکنندگان و صنایع مختلف ایستاده است.

۱۲ ماه تلاش، ۱۲روز دفاع

پرداخت بیش از ۴۹,۰۰۰ میلیارد ریال تسهیلات قرض‌الحسنه اشتغالزایی از سوی بانک رفاه کارگران در دولت چهاردهم



بانک رفاه کارگران با هدف حمایت از تولید ملی بیش از ۴۹,۰۰۰ میلیارد ریال تسهیلات قرض‌الحسنه اشتغالزایی در دولت چهاردهم(مرداد ۱۴۰۳ الی مرداد ۱۴۰۴) اعطا کرده است.

به گزارش روابط عمومی بانک رفاه کارگران، این هفته دولت بیش از ۳۴ هزار فقره تسهیلات قرض‌الحسنه در سرفصل‌های مربوطه از جمله مشاغل خانگی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معرفی‌شدگان از سوی کمیته‌امداد امام خمینی(ره)، سازمان بهزیستی کشور، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، سازمان بسیج سازندگی و صندوق نوآوری و شکوفایی پرداخت شده است. گفتنی است، بانک رفاه کارگران در سال‌های اخیر از جمله بانک‌های پیشرو کشور در حمایت از تولید ملی و اشتغالزایی بوده و اهتمام ویژه‌ای به تأمین مالی واحدهای تولیدی از طریق ارائه و معرفی محصولات نوین بانکی داشته است.

چرا از ترجیحی همواره به رانت و فساد منجر می‌شود؟

سفره‌زنگین دلالت برنج با ارز ترجیحی



سامانه بازارگاه عرضه کنند، اما تجربه گذشته نشان می‌دهد که می‌توان با روش‌های گوناگون از حمله تبانی، خرید صوری و تغییر مسیر توزیع، این سازوکار را دور زد. در چنین شرایطی، دولت تنها بر ظاهر روند نظارت دارد، اما در عمل کالا همچنان با نرخ آزاد به دست مردم می‌رسد. فساد ساختاری ارز ترجیحی تنها به چند واردکننده محدود نمی‌شود؛ بلکه زنجیره‌ای از واسطه‌ها، شرکت‌های صوری، کارگزاران گمرکی و حتی شبکه‌های توزیع در آن دخیل‌اند. همه این گروه‌ها از اختلاف نرخ ارز سود می‌برند، و به همین دلیل مقاومت شدیدی در برابر حذف این سیاست وجود دارد.

راه نجات اقتصاد؛ پایان ارز ترجیحی و حرکت به شفافیت

با وجود همه این شواهد، هنوز برخی مدافعان ارز ترجیحی اصرار دارند که این سیاست برای حمایت از مردم ضروری است. اما پرسش اساسی این است که اگر واقعاً این سیاست به نفع مردم بود، چرا در طول سال‌های اجرا، سفره خانوار کوچک‌تر و قدرت خرید کاهش یافته است؟ پاسخ روشن است. ارز ترجیحی در عمل به جیب مردم نرسیده و در مسیر واردات و توزیع، به رانت و فساد تبدیل شده است.

در حالی که دولت میلاردها دلار منابع ارزی محدود خود را صرف این سیاست کرده، نه تنها قیمت کالاهای اساسی تثبیت نشده بلکه روند گرانی شتاب گرفته است.

راهکار اصلی برای پایان دادن به این چرخه معیوب، حذف کامل ارز ترجیحی و حرکت به سمت نظام ارزی شفاف و تکنرخی است. تنها در این صورت است که انگیزه برای بیش‌اظهاری، دور زدن سامانه‌ها و فروش کالا در بازار آزاد از بین می‌رود. البته حذف ارز ترجیحی می‌تواند با سیاست‌های حمایتی هدفمند همراه باشد. به‌جای آنکه یارانه ارزی در اختیار واردکننده قرار گیرد، می‌توان این منابع را به صورت مستقیم به مصرف‌کننده اختصاص داد. برای مثال، پرداخت یارانه نقدی یا کارت اعتباری کالایی می‌تواند جایگزینی عادلانه‌تر و کم‌هزینه‌تر باشد. علاوه بر این، دولت باید به جای افزایش سامانه‌ها و بخشنامه‌های متناقض، به سمت تقویت شفافیت و پاسخگویی حرکت کند. انتشار عمومی اطلاعات واردکنندگان و میزان ارز دریافتی در بازار می‌تواند فشار اجتماعی برای جلوگیری از فساد ایجاد کند. در نهایت، تدویم سیاست ارز ترجیحی به معنای تداوم رانت‌های میلیاردی و اتلاف منابع است. اصلاح این سیاست هرچه دیرتر انجام شود، هزینه بیشتری بر اقتصاد و معیشت مردم تحمیل خواهد کرد. اکنون زمان آن است که دولت با تصمیمی قاطع، این خطای تکراری را پایان دهد و به سمت شفافیت و عدالت اقتصادی حرکت کند.